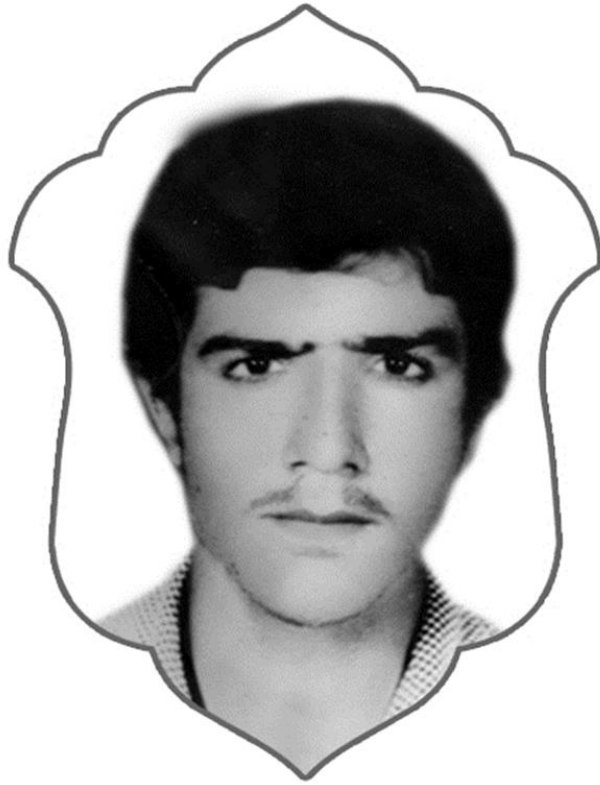


شهید ماشاءلله زنده بودی



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نام پدر	باقر
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۵/۰۳
محل تولد	بوشهر – تنگستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۳/۱۱/۲۹
محل شهادت	گیلانغرب
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	پاسدار کمیته
شغل	پاسدار کمیته
تحصیلات	پنجم ابتدایی
مدفن	قباکلی

زندگینامه

زندگینامه شهید

خاطرات

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و درود فراوان بر امت و امت شهید پرور و امت حزب الله و با درود به رزمندگان سلحشور و پرتوان جبهه های حق علیه باطل و با درود به شهدای صدر اسلام تا شهدای کربلای خونین ایران، و با درود به اسرای دربند رژیم بعثی عراق که با اسیر شدنشان به اسلام و قرآن آبرو دادند.

شهید ماشاءالله زنده بودی

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون

در قاموس شهادت واژه ترس نیست.

امام خمینی

شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع. استاد شهید مرتضی مطهری

اینجانب ماشاءالله زنده بودی فرزند باقر دارای شناسنامه شماره ۱۱ متولد ۱۳۴۴ و پاسدار کمیته انقلاب اسلامی شهرستان اهرم برای لبیک گفتن به ندای رهبر کبیر انقلاب و پاسداری از خون شهدا داوطلبانه از طریق کمیته استان عازم جبهه های نور علیه ظلمت شدم و از خداوند منان می خواهم که مرا به آرزوی دیرینه ام که شهادت در راه خداست نائل گرداند. با ستایش از خداوندی که ما را راست هدایت کرد که اگر راهنمایی و لطف خدا نبود از این سعادت برخوردار نمی شدیم و الآن این سعادت نصیبم گشته که در جبهه های حق علیه باطل حضور یابم این حقیر نصایحی دارم که بیان می دارم: به فرمایش رهبر کبیر گفته در خط ولایت فقیه باشید مساجد را ترک نکنید دعا های خود را افزایش دهید، امام و رزمندگان را دعا کنید، و بر جمیع رفتگان رحمت فرستید، اینجانب از ملت شهید پرور ایران به عنوان فرزند کوچک خود، تقاضا دارم همان طوریکه تا بحال به فضل خدا یاور این انقلاب و امام بوده اید برای رفتن به جبهه از یکدیگر سبقت بگیرید و مشت محکمی بر دهان منافقین از خدا بی خبر بزنید که ما رزمندگان می رویم تا پرچم لاله الله و محمد رسول الله را بر کاخ واشنگتن و کرملین بر افراشته سازیم و به آنها بفهمانیم که اسلام همیشه و همه جا پیروز است.

و اما تو ای مادر گرامی

مادر کفتم را بیاور تا بیوشم که خون من از خون حسین(ع) و علی اصغر شش ماهه حسین(ع) رنگین تر و بهتر نیست. به جهانخوران شرق و غرب بگوئید که اگر خانه و کاشانه ام را به آتش بکشید اگر گلوله های شما قلبم را سوراخ کند آرزوی یک کلمه ضعف و زبونی آرزوی فروختن دینم را به گور خواهید برد. به آنها بگوئید که اگر پیکرم را زنده زنده پاره کنید، اگر تنم را در آتش بسوزانید، اگر خاکسترم را به دریا بریزید از دل امواج خروشان دریا صدایم را خواهید شنید که فریاد می زنم اسلام پیروز است و کفر نابود است.

و شما ای پدر عزیزم واقعاً در طول مدت عمر، پدر خوبی برای من بودید خداوند شما را توفیق دهد پدر جان برای این همه زحماتی که بر شما تحمیل کردم مرا ببخشید و مرا حلال کنید و از خواهران و برادرانم می خواهم که برای من گریه نکنند و از مادرم می خواهم که بعد از شهادت من یک پرچم سبز درب خانه بزنید و برای من مراسم عزرا نگیرید چون بنده راه خود را که همان فی سبیل الله است کاملاً شناختم و بسوی او پرواز کرده ام از اقوام و

عموهایم و دوستان میخوام که مرا حلال کنند و برای من دعا کنند که شهادت نصیبم گردد.

به امید دیدار در کربلای حسینی دعای خیر امام فراموش نشود.

به امید پیروزی اسلام بر کفر و به امید زیارت کربلا.

به جبهه می روم ای یار دوستان

که در دل دارم از یاد شهیدان

خوش آن روزی که با هم دوست بودیم

میان لاله ها سرسبز بودیم

۲۶/۱۲/۶۳ ماشاءالله زنده بودی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران